

مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرائت غزالی در احیاء علوم الدین

نیره دلیر^۱

چکیده: پژوهش حاضر در صدد است قرائت غزالی را با رفتار و توصیه‌های پیامبر اسلام در امر مشارکت اجتماعی زنان، مقایسه کند. روش پژوهش در این تحقیق، تاریخی و مقایسه‌ای است که نخست الگوی مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر بازشناسی شده، سپس با الگوی فکری غزالی با استناد بر احیاء علوم الدین مقایسه می‌گردد. مدعای پژوهش بر این مبنا است که تعالیم احیاء علوم الدین، در حوزه مربوط به مشارکت اجتماعی زنان، قرابت و انطباقی با سیره پیامبر ندارد. یافته‌های تحقیق نیز حاکی از این امر است که رویکرد غزالی درباره زنان، برخلاف نیت اصلی مؤلف که به قصد احیاء علوم دینی آن را نگاه داشته، در تضاد با رفتار و توصیه‌های پیامبر و تحت تأثیر تصور برساخته هراس گونه از زنان که در جامعه مردسالارانه جریان داشته، به نگارش درآمده است.

واژه‌های کلیدی: سیره پیامبر، صحابیات، زنان، مشارکت اجتماعی، غزالی، احیاء علوم الدین

۱ استادیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی dalimh@yahoo.com

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۱، تاریخ تأیید: اسفند ۱۳۹۲

Female Social involvement between *Sira* and Ghazālī's *Ihyā Olūm al-Din*

Nayereh Dalir¹

Abstract: This research seeks to build a comparative study between *Sirā* of Muhammad and Ghazālī's masterpiece *Ihyā Olūm al-Din* in respect of their attitude towards Female social involvement. This research claims that notions and views of Ghazālī in the framework of women neither conform nor even come close to the conducts and traditions of the prophet Muhammad. The findings of this research reveal that despite his intentions on revival of Islamic religious knowledge, perceptions of Ghazālī about women in his book are indeed divergent from the *Sira* and have been stated under predominantly negative images of women in the patriotic society.

Keywords: *Sira*, Sahāba, women's social participation, Ghazālī, *Ihyā Olūm al-Din*

1 Assistant Professor of, Institute for Humanities and Cultural Studies dalinh@yahoo.com

مقدمه

رفتار پیامبر اسلام در مناسبات اجتماعی زنان، تحولی پدید آورد که موقعیت زنان عصر پیامبر را نسبت به دوره‌های پس از آن، به نحو بارزی متمایز می‌نماید. با مراجعه به منابع حدیثی، روایی، تاریخی و مشاهده ذکر نام و شرح اعمال تعداد زیادی از زنان، در آثاری نظیر *الطبقات الکبری*، *معجم الصحابه*، *الاستیعاب*، *اسدالغابه* و... متوجه حضور اجتماعی پررنگ آنان در دوره پیامبر اکرم (ص) و اندکی پس از آن می‌شویم، که در مقایسه با سایر ملل در دوره‌های متقدم و حتی متأخر امری استثنایی و کم نظیر محسوب می‌شود. در دوره معاصر، چند تن از نویسندگان به جمع آوری شرح حال زنان صحابی با استفاده از منابع متقدم پرداخته‌اند، از جمله خالد عبدالرحمن العک^۱ و محمدسعید میبض^۲ و عبدالصبور شاهین^۳ در دو جلد که دائره المعارف زنان صحابی نیز می‌باشد تعداد زیادی از این زنان را نام برده‌اند.^۴ *موسوع الصحابيات نوشته اشعوب الجعافره و الملائه الاوائل من صحابيات الرسول* از محمود طعمه حلبی از دیگر کتاب‌هایی است که بر مبنای منابع تاریخی به رشته تحریر درآمده است.^۵ ناهید طیبی نیز از جمله محققانی است، که با نگارش کتاب *زن در چشم پیامبر*، به وضعیت زنان در دوره پیامبر پرداخته است.^۶ با توجه به منابع متقدم و پژوهش‌های نوین - که برخی از آن‌ها ذکر شد - می‌توان گفت سیره پیامبر در باب زنان امری مشخص است؛ و از همان اوایل نگارش زندگانی و سیره پیامبر تا زمان حاضر بدان توجه شده است. با استناد به منابع، به صراحت می‌توان گفت پیامبر، زنان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی مشارکت داد، هر چند این امر پس از وی رویه جاری جامعه نگردید، و متفکران و عالمان بزرگی نیز تحت تأثیر روند و جریان جامعه قرار گرفته‌اند، و آثاری به رشته تحریر درآوردند که موید همین مطلب است. از این‌رو، پژوهش حاضر، درصدد است مشارکت اجتماعی زنان دوره پیامبر را با رویکرد غزالی در این‌باره مقایسه کند. انتخاب غزالی از این‌روست که وی

۱ خالد عبدالرحمن العک (۱۴۰۹ق)، *صورة من حياة صحابيات الرسول (ص)*، بیروت: دار الالباب.

۲ محمدسعید میبض (۱۴۱۲ق)، *موسوعة حياة الصحابيات*، بیروت: مؤسسة الريان.

۳ عبدالصبور شاهین، *صحابيات حول الرسول*، ۲، قاهره: دارالاعتصام.

۴ برای مطالعه بیشتر نک: مهدی مهریزی (مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، «کتاب شناسی توصیفی کتاب تراجم زنان»، *مجله آيينه پژوهش*، ش ۵۱، صص ۸۴ - ۹۱.

۵ اسامه الجعافره (۲۰۰۵)، *موسوعة الصحابيات*، داراسامة للنشر والتوزيع؛ محمود طعمه حلبی (۱۴۲۷)، *المائة الاوائل من صحابيات الرسول*، بیروت: دارالمعرفة؛ محمود طعمه حلبی اثر دیگری نیز در این باره دارد؛ محمود طعمه حلبی، *نساء حول الرسول*، حلب: دارالحياة.

۶ ناهید طیبی (۱۳۸۸)، *زن در چشم پیامبر*، قم: بهشت بینش.

مهم‌ترین عالم مسلمان و تأثیرگذارترین آن‌ها در دوره میانه است و در اوج تشنه‌ها و منازعات مذهبی کلامی، که منجر به بروز دوره خاصی در تاریخ اسلام شده است، سعی داشته با نگارش کتاب *احیاء علوم الدین*، تعالیم اسلامی را مجدداً زنده کند. این اثر به دلیل شخصیت خاص غزالی، شهرت، معروفیت و تأثیرگذاری منحصر به فرد در جامعه اسلامی، تبعات و توجهات مثبت و منفی زیادی را در همان دوره و پس از آن به همراه داشته است، از این رو، به عنوان مطالعه موردی قرائت غالبی، که در آثار دوره میانه از زنان و منع حضور اجتماعی آنان روایت شده است، بررسی، و با اتکا به آن سعی می‌شود این پرسش پاسخ داده شود که رویکرد غزالی درباره زنان چه نسبتی با سیره پیامبر برقرار می‌سازد؟

بررسی قابل تأمل که به دیدگاه غزالی درباره زن پرداخته و کوشش کرده پاسخی درباره ریشه‌های آن ارائه دهد، مقاله دوروتی کراولسکی، شرق‌شناس آلمانی، با عنوان «شیطان و زن؛ غزالی و خوانشی زرتشتی‌گرا از قرآن»^۱ است. وی دیدگاه ابو حامد غزالی را مشحون از ظلم جنسیتی نسبت به زن، دانسته که تحت تأثیر تعالیم زرتشتی در جامعه اسلامی رواج یافته است. در حالی که قصد اصلی پژوهش حاضر تبیین تضاد دیدگاه غزالی با سیره پیامبر است. لازم به ذکر است استناداتی بسیار معدود در *احیاء علوم الدین* وجود دارد که نشان از شناخت برخی شاخصه‌های حقیقی سیره پیامبر درباره زنان است، اما نمی‌توان آن را به کلیت دیدگاه مؤلف تعمیم داد.

مشارکت زنان در اجرای عملی اسلام

پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز رسالت خود، همگان از جمله زنان را مورد خطاب و دعوت قرار می‌دهد. از این رو، شاهد حضور نسبتاً چشمگیر زنان در حوادث مختلف این دوره هستیم. نخستین فرد مسلمان خدیجه همسر ایشان، در مسجد الحرام همراه با حضرت به نماز جماعت می‌ایستاد.^۲ سمیه؛ نخستین شهید اسلام، نمونه‌ای از ایمان و استقامت می‌باشد. در داستان اسلام آوردن عمر، که ابن هشام با جزئیات، آن را ذکر کرده است، نقش خواهر وی و پیشرو بودن او نسبت به برادرش، که بعدها خلیفه دوم مسلمین شد، به وضوح نمایانگر است.^۳ حضور تعدادی از زنان مسلمان همراه

۱ دوروتی کراولسکی (۱۳۸۲)، «شیطان و زن غزالی و خوانشی زرتشتی‌گرا از قرآن»، ترجمه علی زاهدپور، حوزه اصفهان، ش ۱۲، صص ۱۰۱-۱۲۱.

۲ ابن سعد (۱۳۸۸ق)، *الطبقات الكبرى*، ج ۸، بیروت: دار صادر، ص ۱۵.

۳ ابن هشام (۱۳۷۵)، *سیرت رسول الله*؛ ترجمه سیرت ابن اسحاق، ویرایش جعفر مدرس صادقی، ج ۱، تهران: نشر مرکز، صص ۱۶۰-۱۶۱.

شوهران خود در هجرت به حبشه،^۱ و همچنین حضور گسترده تر آنان در هجرت به مدینه، نشانگر آمادگی آنان بر عملکرد اجتماعی شان دوشادوش مردان، و استواری بر عقیده می باشد. در این پژوهش، مصادیقی از مشارکت اجتماعی زنان نظیر؛ بیعت، حضور در مجامع، مساجد و آموزش، جنگ، امان و مشورت در دوره پیامبر مورد طرح و بحث قرار گرفته، سپس دیدگاه غزالی مورد بررسی قرار می گیرد.

زنان و بیعت با پیامبر(ص)

بیعت کردن زنان با پیامبر(ص) در شرایطی که در مسائل سیاسی و اجتماعی، مجال حضور نداشتند، از ابعاد مختلف قابل توجه است، و از آن می توان بعنوان اعطای حق نام برد. در قرآن از بیعت مردان و همچنین زنان یاد شده است و پیامبر پس از نزول آیه ۱۲ سوره ممتحنه به زنان گفتند: هر کس حاضر است با شرایط یادشده با من بیعت کند،^۲ دست در میان ظرف آب کرده و رسماً وفاداری خود را اعلام کند.^۳ این امر در شرایطی صورت گرفت، که زنان اجازه ورود به عرصه هایی که مختص مردان بود را نداشتند و ارزشی برای عهد و پیمان آنان قائل نمی شدند، در حالی که از دیدگاه پیامبر، پیمان و بیعت آنها نه تنها ارزشمند، بلکه مورد تأکید نیز بود. بیعت علاوه بر آن که مشارکت اجتماعی زنان را در عرصه های سیاسی منجر می شد، حقوق اجتماعی و سیاسی آنان را نیز از منظر اسلام نشان می داد.

بیعت دو زن از انصار در عقبه^۴ نشان می دهد زنان نیز چون مردان با بیعت کردن و قرار گرفتن در شرایط سخت سیاسی آن دوره از مشارکت و مسئولیت پذیری بالایی اجتماعی

۱ برای اطلاع از نام های این زنان نک: همان، ج ۱، صص ۳۲۲ - ۳۳۰.

۲ ابن حجر(۱۴۱۵)، *الاصابه*، ج ۸، تحقیق شیخ عادل احمد الموجد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۸۵؛ ابن عبدالبر(۱۳۸۱ق)، *الاستیعاب*، ج ۴، بیروت: دارالفکر، صص ۴۱۷-۴۱۸؛ ابن اثیر(بی تا)، *الاسد الغابه*، ج ۵، تهران: اسماعیلیان، صص ۴۷۹-۴۸۰؛ شرایط بیعت زنان در سوره ممتحنه آیه ۱۲ ذکر شده است: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَتَّبِعُنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترا بی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است! (سوره ممتحنه، آیه ۱۲).

۳ احمد بن حنبل(بی تا)، *المسنند*، ج ۶، بیروت: دارصادر، ص ۳۵۷؛ ابن سعد(۱۳۸۸ق)، همان، ج ۸، ص ۱۲؛ مقریزی(بی تا)، *امتاع الاسماع*، تحقیق محمود محمد شاکر، مصر: لجنة التالیف و الترجمة و النشر، ص ۳۹۲.

۴ ابن هشام، همان، ج ۱، صص ۴۳۳، ۴۴۱؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۴۱۲؛ ابن اثیر(۱۴۱۴ق)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: مکتب التراث، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۵۱۳.

برخوردار هستند. تعداد این زنان هر چند انگشت شمار بود؛ ولی از نظر اثبات ارزش و اعتبار بیعت زن، همسان با مرد، بسیار با اهمیت است، زیرا بیعت به معنای در اختیار نهادن رأی و نظر و قرار گرفتن در دایره مشارکت سیاسی - اجتماعی است، که برای زنان حداکثر مشارکت اجتماعی محسوب می‌شد. این امر هر چند برای برخی مردان، با اکراه و اجبار همراه بود، اما برای زنان آن دوره، امتیاز و افتخار بزرگی به شمار می‌آمد؛ و بعنوان حق تلقی می‌شد، بخصوص آن که زنان با اراده خود در آن حضور می‌یافتند. از فحوای آیه و گفتار پیامبر، اراده و اختیار آنان در بیعت کاملاً مشهود است. پیامبر اسلام از این طریق، و در زمانی که زنان از ضروری‌ترین حقوق خود محروم بودند، هویت مستقل سیاسی و حقوقی زنان را مورد تأیید قرار داده است.

حضور زنان در مسجد و آموزش

از جمله مواردی که پیامبر به شدت به آن توجه و اهتمام داشت، حضور زنان در مجامع و مسجد بود. زنان با حضور پیامبر اسلام از مسجد، منبع کسب علم و دانش و معارف الهی، نهایت استفاده را می‌بردند. مسجد علاوه بر بعد عبادی و رابطه با خالق، محل اجتماع مسلمانان، مرکز تصمیم‌گیری، مشورت، حل مشکلات و بحران‌ها نیز بود؛ بنابراین زنان مسلمان، با حضور در مسجد، در متن حوادث اجتماعی قرار گرفته و این امر در افزایش فهم و شعور اجتماعی و سیاسی آن‌ها بسیار مؤثر بود، و با ایجاد حس مسئولیت، آنان در منزل نیز با همسران خود همدردی بیشتری نشان داده و در مواقع خطیر، نظیر جنگ یا تحریم‌ها از راه‌های گوناگون به جامعه اسلامی یاری رسانند.

از همان ابتدای نزول وحی، همسر پیامبر همراه وی در مسجد الحرام و برپایی نماز جماعت حاضر بودند، و پس از آن نیز در مدینه شاهد حضور زنان در مسجد به تشویق پیامبر هستیم. پیامبر دستوری مبنی بر اجازه گرفتن زنان از همسرانشان برای آمدن به مسجد صادر نکردند: «جاء فی الحدیث المرفوع لا تمنعوا إماء الله مساجد الله و لیخرجن إذا خرجن ثقلات»^۱ حضور

۱ ابن‌ابی‌الحدید (۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۹، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ج ۱، ص ۳۴۷؛ در ابتدای تأسیس مسجد النبی، تنها یک در وجود داشت که زنان و مردان از آن تردد می‌کردند و از یک در وارد و خارج می‌شدند تا این که پیامبر (ص) به علت ازدحام زنان و مردان به قسمتی از مسجد اشاره کرده و فرمود: کاش در این جا دری برای ورود و خروج زنان ایجاد می‌کردیم و البته ساخت این در بعدها و احتمالاً در زمان عمر ایجاد شد که به باب النساء معروف است؛ نک: الحسینی الموسوی المکی (۴۱۷ق)، نهضة الجلیس و منیة الأذیب الأتیس، قم: المکتبه الحیدریه، ص ۶۰.

زنان در زمان تغییر قبله و جا به جایی مردان با زنان،^۱ نشان می‌دهد حائلی میان آنان نبوده است. در مسجدالنبی نیز میان زنان و مردان حائلی وجود نداشت، تنها زنان در پشت سر مردان صف می‌بستند. پس از مدتی نیز با اعتراض زنان که به خوبی نمی‌توانستند پیامبر را ببینند و سؤالات خود را مطرح نمایند، پیامبر روزی را مخصوص ایشان قرار داد که بدون هیچ گونه فاصله‌ای، مستقیم از خود پیامبر آموزش بگیرند. زنان مدینه خواستار روزی برای موعظه پیامبر برای آنها شده و خطاب به پیامبر می‌گویند که مردان بر ما فزونی یافته‌اند، پس روزی را مخصوص ما قرار ده.^۲ این درخواست، نشان‌دهنده رقابت آنان با مردان در حوزه‌های فکری و معرفتی است. حضور در مسجد، از چنان اهمیتی برخوردار بود که برخی برای محروم نشدن، آن را شرط ازدواج خود قرار می‌دادند.^۳ موردی نیز گزارش شده، که زنی مهریه خود را اسلام آوردن خواستگارش تعیین کرده بود.^۴

گزارش‌ها نشان از حضور فعال زنان در مسجد و فراگیری احکام از زبان پیامبر اکرم (ص) است. پیامبر اکرم (ص) در هنگام سخنرانی‌های خود در مسجد توجه خاصی به رساندن پیام خود به زنان داشت.^۵ در مواقع دیگر نیز در حضور مردان، زنان می‌توانستند نزدیک پیامبر آمده و سؤالات خود را مطرح نمایند، حتی به دلیل طرح بدون شرم سؤالات، مورد تشویق ایشان نیز قرار می‌گرفتند.^۶ در نمازهای جمعه و عید، زنان ملزم به حضور در نمازهای عید فطر و قربان بودند، این امر در بردارنده

۱ «... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رو به سمت کعبه نمود. در این هنگام مردان به جای زنان قرار گرفتند و زنان در جای مردان قرار گرفتند»؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۸۷؛ ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۴۵؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۳، ص ۱۴۱۷.

۲ احمد بن حنبل، همان، ج ۳، ص ۳۴.

۳ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۶۵ - ۲۶۷؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۶، صص ۱۸۳ - ۱۸۵.

۴ از انس بن مالک روایت شده که گفت: ابوطلحه پیش از آنکه اسلام بیاورد از ام سلیم خواستگاری کرد. او گفت: من شدیداً به تو تمایل دارم و تقاضای همچون تویی را نمی‌توان رد کرد! اما تو مردی کافر، و من زنی مسلمانم. حال اگر مسلمان شوی همان اسلام آوردن تو مهریه من خواهد بود، و هیچ چیز دیگر از تو نمی‌خواهم! ... در روایت دیگری آمده است که ابوطلحه گفت: مهریه تو چیست؟ ... گفت: من نه زرد می‌خواهم نه سفید؛ فقط از تو اسلام می‌خواهم! ... ابوطلحه... به خدمت رسول الله (ص) شتافت، در حالی که رسول خدا (ص) در جمع اصحابشان نشسته بودند وقتی که او را دیدند فرمودند: ابوطلحه نزد شما آمده است در حالی که روشنی اسلام در دو چشمش برق می‌زند... ابوطلحه اسلام آورد و با ام سلیم ازدواج کرد. ثابت گوید مهریه‌ای بالاتر و گرانقدر از این هرگز به گوش ما نرسیده بود؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۳۱۳؛ ابن حجر، همان، ج ۴، ص ۴۴۲.

۵ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۳۰۷.

۶ در گزارشی آمده که او زنان انصار را از آن جهت که حیا مانع پرسش‌های دینی و فقهی آنان نمی‌شد، مدح می‌نماید. عبارت عربی چنین است: «نعم النساء نساء الانصار لم یکن یمنعنّ الحیاء ان یسألن عن الدین و یتفقهن فیه» نک: احمد خلیل جمعه (۱۴۱۱ق)، نساء مبشرات بالجنه، ج ۲، بیروت: دار ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۱۶.

مشارکت اجتماعی برای زنانی است که مسئولیت خانواده به آنها اجازه نمی‌دهد تا در اجتماعات دیگر نظیر نمازهای جماعت یومیه حضور یابند و تأکید بر موعظه آنان داشتند.^۱

سوادآموزی

پیامبر(ص) نه تنها با سوادآموزی زنان مخالف نبوده، بلکه زنان را سخت بدان تشویق و حتی خود زمینه سوادآموزی آنان را فراهم می‌کرد.^۲ او در شرایطی که مردان نیز از تحصیل علم بهره چندانی نداشتند، طلب علم را بر هر مرد و زن مسلمان واجب و فریضه می‌داند. از زنی به نام ام کثیر چنین نقل شده که: همراه با خواهرش به نزد پیامبر اکرم(ص) می‌رود و می‌گوید: خواهرم می‌خواهد مسأله‌ای پرسد، اما خجالت می‌کشد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: پرسد، زیرا طلب علم واجب است، سپس وی سؤال خود را مطرح می‌کند. استناد پیامبر به جمله «طلب العلم مومن» نشان از وجوب دانش‌اندوزی برای مردان، و زنان دارد. ام‌ورقه ملقب به شهیده،^۳ از معلمان قرآن بود،^۴ که پیامبر(ص) به او دستور داده بودند تا در خانه‌اش، برای زنان مسلمان نماز جماعت به پا کند. وی از نخستین زنانی است که جامع و حافظ قرآن بود.^۵ همسران پیامبر(ص) نیز در زمان حیات او و بخصوص پس از وفات ایشان، مرجع مردم در مسایل دینی و فقهی بودند. به طوری که بخش عمده‌ای از سنت پیامبر(ص) از طریق زنانشان انتقال یافته است.^۶

امان زن

پذیرش امان‌امانی توسط پیامبر نسبت به برخی از مشرکان در جریان فتح مکه، نشان واضحی از صلاحیت سیاسی و اعتماد پیامبر به اوست.^۷ اگر از دیدگاه پیامبر زن صلاحیت نداشت، به تدبیر

۱ ابی‌عبیده مشهور بن حسن آل سلمان (۱۴۱۴ق)، *عناية النساء بالحديث النبوي*، بیروت: دار ابن حزم، ص ۱۲.
 ۲ ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵)، *الاصابه*، تحقیق شیخ عادل احمد الموجد، ج ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۴۵۶.
 ۳ وی تمایل زیادی به شرکت در جبهه جنگ و شهادت داشت که پیامبر وعده آن را به ایشان داد و معمولاً او را شهیده می‌نامیدند؛ ابن‌اثیر، *أسدالغابة*، ج ۶، ص ۱۶۶؛ مقریزی [بی‌تا]، *امتاع الاسماع*، تحقیق محمود محمد شاکر، ج ۱۳، مصر: لجنة التالیف و الترجمة و النشر، ص ۱۸۹.
 ۴ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۴۵۷؛ ابن جوزی (۱۴۲۶)، *صفوة الصفوة*، تحقیق عبدالرحمن لادقی، حیاة شیخا لادقی، ج ۲، بیروت: دارالمعرفة، ص ۷۲.
 ۵ ابن‌عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۹۶۵.
 ۶ راوی‌شناسان اهل سنت معمولاً روایات زنان را پذیرفته‌اند؛ تا جایی که از جمله ذهبی، که صداقت و امانت علمی زنان را بر مردان ترجیح داده و می‌نویسد که میان زنان موردی را سراغ ندارم، که متهم یا متروک شده باشد، ذهبی (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق علی محمد بجاوی، ج ۴، بیروت: دارالمعرفة، ص ۶۰۴؛ البته این نظریات با عقاید شیعیان منافات داشته و روایات برخی راویان زن از دیدگاه علمای شیعی اعتبار ندارد.
 ۷ ابن‌هشام، همان، ج ۴، ص ۵۳؛ مقریزی، همان، ص ۳۸۱؛ واقدی، همان، ج ۲، صص ۸۲۹-۸۳۰.

زنی هر چند از بستگانش اعتماد نمی‌کرد و به او اجازه نمی‌داد تا در اموری که خلاف رای الهی است وارد شود. پیامبر از سویی، امان زنی را می‌پذیرد و از سوی دیگر، پیمان حدیبیه را بخاطر زنان و به دستور صریح آیات الهی نقض می‌کند.^۱ با اسلام آوردن امّ کلثوم، دختر ابی معیط، و هجرت او به سوی پیامبر در مدینه، برادرانش به طلب وی آمدند؛ اما بنا به نص صریح آیه قرآن، پیامبر در مورد وی و سایر زنان مسلمان که به رسول خدا پناهنده می‌شدند، پیمان را اجرا نکرد.^۲

زنان و جنگ

زنان به‌رغم آن که مکلف به جهاد و نبرد نبودند، بنا بر گزارش منابع، نقش متمیزی در جنگ‌های صدر اسلام بر عهده داشتند، و با نقش‌پذیری‌های متفاوت از درمان و آب‌رسانی تا جنگ رو در رو با دشمن، به حضرت یاری رساندند و مورد تحسین وی واقع شدند. پیامبر اکرم (ص) زنان را همراه خود در جنگ می‌برد و آنان به مداوای مجروحان می‌پرداختند و از غنیمت جنگی، سهم می‌بردند. پیامبر به زنان شرکت‌کننده در خیبر، سهمی معادل سهم مردان از غنایم داد.^۳ پاداش دو زن باردار که میان راه وضع حمل کردند را برای مادر و فرزند هر دو در نظر گرفت.^۴ کعبیه دختر سعد اسلمیه در خیبر شرکت داشت و درباره او چنین نقل شده که پیامبر اکرم (ص) مکانی را در مسجد مدینه، برای او در نظر گرفت که به مداوای مجروحان و طبابت بیماران بپردازد.^۵ وی در جنگ‌های پیامبر شرکت کرد و به اندازه یک مرد مجاهد از غنایم، سهم دریافت کرد.^۶ همچنین پیامبر اکرم (ص) خیمه‌ای برای

۱ پیامبر فرمود: «ان الله نقض العهد فی النساء» به راستی که خداوند وفای به این پیمان را برای زنان بشکست. سرانجام برادران ام کلثوم بازگشتند و غیر از وی زنان دیگری که از مکه به مدینه آمدند، پیامبر آنان را به‌رغم پیمان حدیبیه پناه داد. یحیی ابن ابی بکر العامری ابی‌تأ، بهجة المحافل و بقية الاقائل فی تخلص المعجزات والسير والشائل، ج ۱، بیروت:

دارصادر، ص ۳۱۹؛ رسول خدا ابتدا آنان را امتحان نمود و سپس پذیرفت؛ ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۵۷.

۲ بعد از آن سید- علیه السلام- امّ کلثوم را باز نفرستاد. و آیت این بود که حق تعالی خاص از بهر زنان که از بهر اسلام هجرت کردند فرو فرستاد، قوله تعالی: یا ایها الذین آمنوا إذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتنوهن الله أعلم بایماتهن فإن علمتموهن مؤمنات فلا ترجوهن إلى الکفار لا هن حلّ لهم ولا هم یحلون لهن (آیه ۱۰، سوره ممتحنه)، برخی زنان دیگر نیز از مکه پس ام کلثوم به سوی پیامبر هجرت نمودند و او آن‌ها را می‌آزمود و سپس پناه می‌داد؛ سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه (۱۳۷۷)، تحقیق اصغر مهدوی، ج ۲، تهران: انتشارات خوارزمی، ج ۳، صص ۸۲۰ و ۸۲۱.

۳ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۹۶؛ ابن حجر، همان، ج ۸، ص ۴۴۲.

۴ واقدی (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، ج ۲، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ص ۶۸۶.

۵ همان، ص ۵۱۰؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۹۰۷؛ ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۵۳۸؛ ابن حجر، همان، ج ۸، ص ۲۹۷.

۶ واقدی، همان، ج ۲، ص ۵۱۰؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۹۰۷.

رُفیده، زنی از قبیله اسلم، در مسجد خود برپا کرده بود که در آنجا به مداوای بیماران می پرداخت؛ از جمله بیماران او، سعد بن معاذ بود.^۱ از زنان زیادی در امر مداوای مجروحان و آبرسانی نام برده شده است. برخی زنان نظیر ام سلیم، ام عطیه، ام سنان اسلمیه^۲ به طور مکرر در جنگ‌های پیامبر(ص) مشارکت داشتند. در جنگ احد، هنگامی که کار بر مسلمانان سخت شد و بسیاری از مردان گریختند، زنانی که در جنگ احد شرکت کردند به دفاع از جان پیامبر پرداخته^۳ و ام ایمن و صفیه - عمه رسول خدا- فراریان را شمامت و آنان را به پایداری تشویق می کردند.^۴

به رغم حضور داوطلبانه زنان در جنگ و سایر عرصه‌های اجتماعی و تشویق آنان توسط پیامبر، باز هم زنان از نابرابری امتیازات معنوی مردان و زنان به خصوص در زمینه جهاد، شکایت کردند و به نمایندگی خود اسما بنت یزید را به نزد پیامبر اکرم(ص) فرستادند تا از علت این نابرابری پرسش نماید. پیامبر اکرم(ص) در پاسخ، نیکوهمسرداری کردن زن را همسنگ جهاد و تمام مزایای دیگر مردان به حساب آورد. اسما به خاطر این پاسخ، از خوشحالی تکبیر به زبان جاری کرد.^۵ زمانی دیگر ام عماره از حضرت رسول سوال کردند: همانا ما درک نکردیم مگر همه چیز را تنها برای مردان و ندیدیم چیزی را از آن زنان باشد. سپس آیه ۳۵ سوره احزاب نازل شد که مردان و زنان مؤمن در کنار هم خطاب می شود.^۶ آیات الهی در اکثر موارد بنا به ضرورت‌ها و قواعد زبانی خطاب به مردان است، اما خطاب همگانی آن، تمام انسان‌ها را فارغ از جنسیت در برمی گیرد. البته در این آیه به طور خاص، برای رفع هر گونه ابهام، از زنان نیز در کنار مردان یاد شده است. اساساً در دوره پیامبر، تمام مسئولیت‌ها و تکالیفی که بر دوش مردان مسلمان بود برای زنان نیز منعی وجود نداشت؛ با این تفاوت که با توجه به وظایف خاص زنان، اکثر این موارد نه به اجبار و تکلیف، بلکه به اراده و اختیار زن واگذار می شد، ولی بر مردان واجب بود، و ترک آن معصیت به همراه داشت.

۱ ابن هشام، همان، ج ۳، ص ۷۲۰؛ البخاری (۱۴۰۹)، الادب المفرد، تحقیق محمدفواد عبدالباقی، بیروت: مؤسسة الکتب

الثقافیه، ص ۱۱۱؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۲۹۱؛ ابن اثیر، همان، ج ۶، ص ۱۱۰؛ مقریزی، همان، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

۲ واقدی، همان، ج ۳، ص ۲۴۹.

۳ سیرت رسول الله، ص ۶۶۹.

۴ واقدی، همان، ج ۳، ص ۲۸۸.

۵ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۲۳۸.

۶ ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۶۰۵؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۸، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۵۰۲-۵۰۳.

زنان و مشورت

از مهم‌ترین موارد مشارکت اجتماعی زنان امر مشورت است که مطابق برخی روایات اسلامی مشورت با زنان یا نهی شده است و یا تأکید می‌شود پس از مشورت با آنان خلاف آن عمل شود. در روایتی از رسول خدا (ص) چنین آمده است: «با زنان مشورت کنید و مخالف آن عمل کنید؛ زیرا در مخالفت با آن‌ها برکت و فزونی وجود دارد»^۱. در حالی که در امر مشورت، خردمندی و خیرخواهی فرد مشاور، تخصص و تجربه وی در زمینه مورد نظر مهم است و فردی که واجد این صفات است، مناسب، و در غیر این صورت، زن یا مرد نباید مورد اعتماد و مشورت قرار گیرد. قاعدتاً زنان در برخی امور، تخصص و تجربه بیشتری داشتند و مردان نیز همچنین؛ مبنای این امر خردمندی، تخصص، تجربه، نحوه و گستره حضور فرد در جامعه است و نه جنسیت. چنانچه جامعه فرصت بیشتری برای حضور و بروز اجتماعی به زنان اعطا نماید به نحوی که آنان نیز صاحب تخصص و نظر شوند، و در صورت اثبات عقل و درایت، مشورت با آنان در سطح مشورت با مردان با تجربه و خردمند و حتی در مواردی بالاتر از آن است. از آن جا که پیامبر خود فرصت‌های فراوانی برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی فراهم آورده بود، نمونه‌هایی از زنان صاحب رأی و نظر داریم که به درستی مشورت می‌دهند. نمونه بارز آن در جریان صلح حدیبیه است که پیامبر از رفتار مسلمانان در مانده بود و با اجرای نظر ام سلمه، نیکویی رأی و نظر وی بر همگان مشخص شد.^۲ همچنین پیامبر برخلاف عرف رایج جامعه خود، در امر ازدواج دخترانش، پیشنهاد و نظر خدیجه را مقدم و محترم می‌شمارد و چنانچه طبرانی می‌نویسد: «...آن حضرت در چنین پیشنهادها با خدیجه مخالفت نمی‌کرد»^۳.

۱ ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۸، ص ۱۹۹.

۲ چون پیامبر (ص) از صلحنامه فراغت یافت به اصحاب خود فرمود: برخیزید قربانی‌های خود را بکشید و سرهایتان را بتراشید! ولی هیچ کس فرمان را اجابت نکرد. پیامبر (ص)، این دستور را سه مرتبه تکرار فرمود ولی حتی یک نفر هم دستور را اجرا نکرد. پیامبر (ص)، به خیمه ام سلمه همسر خود که در این سفر همراهش بود برگشت و در حالی که سخت خشمگین بود، دراز کشید. ام سلمه چند بار گفت: ای رسول خدا شما را چه می‌شود؟ چرا پاسخ مرا نمی‌دهید؟ فرمود: جای شگفتی است! من چند بار به مردم گفتم قربانی‌های خود را بکشید و سرهایتان را بتراشید و از احرام خارج شوید، ولی هیچ کس از ایشان اطاعت نکرد و پاسخ هم نداد، در حالی که گفتار مرا می‌شنیدند و به صورتم نگاه می‌کردند. ام سلمه گوید، گفتم: ای رسول خدا، برخیز و خودت قربانیت را بکش، بدون شک مردم از شما پیروی خواهند کرد. گوید: پیامبر (ص) جامه خود را از زیر بغل راست خود رد کردند و به شانه چپ پیچیدند و کاردی به دست گرفتند و قربانی‌های خود راهی کردند. گویی هم اکنون دارم می‌بینم که با کارد آهنگ ضربه زدن به گلوگاه شتران را کرده و صدای خویش را بلند کرده و می‌گوید: بسم الله و الله اکبر. چون مردم آن حضرت را به این حال دیدند برای قربانی کردن هجوم آوردند، و چنان ازدحامی کردند که ترسیدم بعضی‌ها باعث زحمت بعضی دیگر شوند، واقدی، المغازی، ص ۴۶۷.

۳ سلیمان بن احمد طبرانی (۱۴۰۴)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ج ۲۲، قاهره: مکتبه ابن تیمیة، ص ۴۲۶.

در مجموع می‌توان گفت زنان عصر نبوی، در محور و جریان مباحثات و مسایل اجتماعی قرار داشته و شخص پیامبر، آگاهانه در اجرای این روند، مشوق و مؤثر بوده است. رویه‌ای که پس از ایشان نه تنها تکرار نشد بلکه خلاف آن در جامعه نظریه‌پردازی و اجرا شد. بدین معنا که حضور زنان در اجتماع نهی و خانه‌نشینی آنان تشویق شد. در این تغییر و تحول، نقش حاکمیت‌های پس از پیامبر و اهداف خاص آنان بسیار بارز است، در همین راستا نیز آثاری تولید شد که مروج و قوام بخش این دیدگاه محسوب می‌شود. از جمله این آثار، احیاء علوم الدین است که به عنوان بررسی موردی این دسته از متون، بررسی و نسبت سنجی می‌شود.

دیدگاه غزالی در احیاء علوم الدین

غزالی در دوره‌ای که منازعات و مباحثات فراوان در جامعه در جریان بوده، اثری را به نگارش درآورد که از طریق آن بتواند مبانی دین و تعالیم ناشی از آن را احیاء نموده و بار دیگر علوم دینی را براساس روایت خودش تجدید نماید. حاصل این تکاپو و خواست ذهنی غزالی کتاب احیاء علوم الدین است که تأثیرات فراوانی از ابعاد مختلف در عصر خود و پس از آن برجای گذاشته است. این کتاب مخالفان و موافقان زیادی پیدا کرد که بررسی آن در مجال این پژوهش نیست. این مقاله صرفاً به بررسی عقاید بیان شده درباره زنان در این اثر می‌پردازد و محتوای آن را با نوع نگرش و روش دینی پیامبر اسلام تبیین و مقایسه نماید. مواردی که در این اثر یاد شده نظیر: مشورت، ازدواج، شرکت در مجامع و مساجد و توصیف‌هایی که از زن نموده است، مورد استناد قرار می‌گیرد، تا با تبیین این موارد به منظومه فکری غزالی درباره زنان دست یافت.

عدم مشورت با زنان

از جمله مواردی که غزالی بر آن تأکید دارد عدم مشورت با زنان به دلیل نقص عقلی و تبعیت از هوی و هوس است. این قول را از زبان عمر و فرمایشات پیامبر سعی دارد به مخاطب خود بقبولاند: «خالفوا النساء فان فی خلافتهنّ ۷۰۰۰»، زنان را خلاف کنید که در خلاف ایشان برکت است. و گفته‌اند: شاوروهنّ و خالفوهنّ، مشورت کنید با ایشان و مخالفت نمایید ایشان را.^۱ غزالی

۱ فایده مشاورت با زنان آن است که مشاورت جایی باید که در آن تردد باشد، و آدمی در نفی چیزی یا اثبات آن متردد شود به سبب تعارض عقل و هوی، و مشتبه شدن موجب عقل به مقتضی هوی. و چون هوی بر زنان غالب‌تر است، ایشان به طرف هوی مایل بوند، و بدین طرف حکم عقل از حکم هوی متمیز شود، و ظن غالب حاصل آید که صواب کدام است. والله اعلم.

با ذکر حدیث نبوی، دلیل عدم مشورت با زنان را نقص عقل بیان می‌کند: «ما رأیت ناقصات عقل و دین اغلب لذوی الالباب منکن، ناقصات عقل و دین ندیدم ارباب الباب را غلبه کننده‌تر از شما زنان. و آن به سبب هیجان شهوت است»^۱

پیغامبر- علیه السلام- گفت: فضلت علی آدم بخصالتین کانت زوجته عوناً له ~~علی~~ و أزواجی اعوان لی ~~علی~~ و کان شیطانہ کافراً و شیطانى مسلم و لایأمر الا بخیر، بر آدم- صلوات الله و سلامه علیه- به دو خصلت تفضیل یافتیم: یکی آن که جفت او معین بود او را بر معصیت، و ازواج من معینند مرا بر طاعت، و دوم آن که شیطان او کافر و شیطان من مسلمان است.^۲ در فحوای این روایت از پیامبر، غزالی هم اشاره دارد بر اطمینان بر روایت تورات و انجیل از این که گناه اولیه را زن انجام داد و او در مشورت با آدم وی را ترغیب بر گناه کرد و با قرائت قرآن کم‌تر هم‌خوانی دارد. وی در این روایت زن را معین آدم بر گناه و مشورت دهنده بر معصیت معرفی می‌کند. زن و زندگی را برای اهل عرفان و دل مضر دانسته و از زبان ابراهیم ادهم و بشر آن را بیان کرده و رفتن سفیان ثوری بر درگاه سلطان این گونه توجیه می‌نماید: «و سفیان ثوری را بر در سلطان دیدند، گفتند: این جای تو نیست. فرمود: و هل رأیت ذا عیال أفلح؟ هیچ عیال‌داری دیده‌ای که رهایش یافته است؟...»^۳ از دواج را آفت می‌داند مگر بر حکیمی عاقل نیکو خوی، که «عادات زنان نیکو داند و بر زبان آوری ایشان صبر کند و از متابعت شهوت ایشان متوقف باشد و... از زلتهای ایشان تعافل کند و به عقل خود با اخلاق ایشان مدارا نماید».^۴ در حالی که «غالب بر مردمان، سفاهت است پس تنهایی، او را به سلامت نزدیک‌تر بود».^۵ از آفت‌های دیگر از دواج این می‌داند که: «... اهل و فرزند وی را از خدای تعالی مشغول گرداند و به طلب دنیا

۱ ابوحامد غزالی (۱۳۵۱)، *احیاء علوم الدین*، ترجمه مویدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۵۹. غزالی در مقدمه اثرش دلیل نگاشت این کتاب را این گونه می‌نویسد: «به تحقیق می‌دانم و سوگند بر زبان میرانم که اصرار تو بر انکار حقیقت دین موجبی نیست مگر آن بیماری که بسیاری از مردمان این روزگار را دامنگیر شده و جمهور خلق بدان مفتون گشته‌اند. سپردن راه آخرت با نشیب و فرازش در غایت دشواری است زیرا راهبران جهان آخرت عالماتی توانند بود که وارثان پیامبر باشند، عالماتی که اکنون روزگار از وجودشان خالی گشته و جایشان عالماتی جای گرفته‌اند که معروف را منکر و منکر را معروف می‌شمارند، بدین سبب علم دین مندرس شده و آثار یقین ناپیدا گشته است»؛ چنانچه از این سخنان برمی‌آید احیای علوم دینی هدف غزالی در زمانه‌ای است که به‌زعم وی جمهور خلق بیمار و مفتون گشته‌اند و روزگار از وجود عالمان که وارثان پیامبرند خالی گشته است.

۲ همان، ج ۲، ص ۶۵.

۳ همان، ص ۷۰.

۴ همان، ص ۷۱.

۵ همان‌جا.

کشد... و ابوسلیمان گفت: من تزوج فقد رکن إلى الدنيا، ای، هر که نکاح کرد به دنیا مایل شد. چه نکاح وی را به میل دنیا خواند...»^۱

غزالی برای کمیاب و نادر بودن زن پارسا حدیثی از پیامبر ذکر می کند که پیغامبر -صلی الله علیه و سلم- فرمود: مثل المرأة الصالحة... فی النساء کمثل العراب الاعصم بین م... غراب، مثل زن پارسا میان زنان مثل زاغ سپید شکم است میان صد زاغ. و لقمان در وصیت پسر را گفته است: ای پسر، از زن بد بپرهیز که او تو را پیش از پیری پیر کند، و از بدترین زنان بپرهیز که ایشان تو را به نیکی نخوانند، و از زنان نیکوترین نیز بر حذر باش. و پیغامبر -صلی الله علیه و سلم- فرموده است: استعیزوا من الفواقر الثلاث. و عدّ منهنّ المرأة السوء فأنّهنّ... قبل المشیب، پناه خدای خواهید از سه داهیه پشت شکننده. و زن بد را از آنها شمرده که او پیر کننده است پیش از پیری. و در لفظ دیگر: ان دخلت علیها لسبتک و ان غبت عنها خانتک، اگر بر او در روی بر تو زبان آوری کند، و اگر از او غایب شوی تو را خیانت کند.^۲ از دیدگاه غزالی بیشتر اهل جهنم را زنان در بر می گیرند: «و پیغامبر -صلی الله علیه و سلم- فرمود: اطّلع فی النار فإذا اکثر أهلها النساء، بر آتش مطّلع شدم، بیشتر اهل آن را زنان دیدم. گفتند: چرا یا رسول الله؟ فرمود: یکثرن اللعن و یفکرن العشیر، یعنی الزّوج المعاشر، بسیار لعنت کنند و شوی را ناسپاس باشند، یعنی شوی معاشر. و در خبر دیگر است: اطّلع علی الجنة فإذا اقلّ أهلها النساء، قفلت این النساء فقیل شغلهنّ الاحمران: الذّهب و الزّعفران، بر بهشت دیده‌ور شدم کمتر اهل آن زنان دیدم، گفتم: کجا اند زنان؟ گفتند: زر و زعفران ایشان را مشغول کرده است، ای پیرایه‌ها و جامه‌های رنگین.^۳

زنان و حضور در مساجد

غزالی در این جا ضمن اذعان به قول پیامبر برای حضور در مسجد، آن را با توجه به شرایط زمانه خود نامناسب برای زنان معرفی می کند و در این زمینه از روایات مربوط به عایشه و فرزند عبدالله بن عمر کمک می گیرد: «و پیغامبر -صلی الله علیه و سلم- زنان را در حضور مسجد دستوری می داد. و در این زمان صواب آن است که ایشان را منع کنند، مگر زالان را؛ بل هم در زمان صحابه منع ایشان صواب دیده بود. عایشه -رضی الله عنها- گفتی: اگر پیغامبر -صلی الله علیه و سلم- بدانستی که زنان پس از وی چه محدثها پیدا خواهند آورد، ایشان را از بیرون آمدن منع

۱ همان، ص ۷۱.

۲ همان، ص ۹۴.

۳ همان، ج ۲، ص ۹۶.

کردی. و وقتی عبدالله عمر روایت کرد که پیغامبر - علیه السلام - فرمود: لا تمنعوا إماء الله مساجد الله، پرستاران خدای را از مسجدها باز مدارید. یکی از فرزندان وی گفت: بل باز داریم. عبد الله وی را بزد، و بر وی در خشم شد و گفت: می شنوی که من از پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - روایت می کنم و تو بل می گویی. و او بر این مخالفت به سبب تغیر روزگار جرئت نموده بود، و عبدالله بدان به وی در خشم شد که ظاهراً، بی اظهار عذر، لفظ مخالفت اطلاق کرد.^۱

در ادامه روایتی را از پیامبر نقل می نماید که برخلاف روایت بالا به طور کلی منع حضور زنان را صواب تر و به حق نزدیک تر می داند تا حضور: «و فرمود: اقرب ما تكون المرأة من وجه ربها إذ كانت فی قعر بیتها، و ان صلوتها فی صحن دارها افضل من صلوتها فی المسجد، و صلوتها فی بیتها افضل من صلوتها فی صحن دارها، و صلوتها فی مخدعها افضل من صلوتها فی بیتها، وقتی که زن به رضای خدای تعالی در آن نزدیک تر باشد آن است که در قعر خانه خود باشد، و نماز او در صحن سرای او فاضل تر از نماز او در مسجد. و نماز او در خانه خود فاضل تر از نماز او در صحن سرای، و نماز او در بن خانه خود فاضل تر از نماز او در خانه خود. و این فضیلت برای پوشیدن باشد. و برای آن پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - فرمود: المرأة عورة فاذا خرجت استشرفها»^۲.

از دیدگاه غزالی حتی در هنگام موعظه واعظان، میان او و زنان باید حائلی باشد چه خود امکان فساد دارد. «و چون واعظ جوان باشد ... در مجلس او زنان باشند، این منکر باشد و منع آن واجب آید، چه فساد آن بیش از صلاح است ... و واجب است که میان مردان و زنان حایلی باشد که نظر باز دارد، چه آن نیز محل فساد است»^۳. وی حضور زنان در مسجد و ... را فتنه انگیز می داند و به صراحت به مخالفت این دستور با سیره پیامبر اشاره می کند، اما در ادامه استنادی از عایشه آورده که دلیل عمل کردن مخالف دستور پیامبر را موجه گرداند: «... منع زنان از حضور در مسجدها برای نماز و برای مجلس ذکر چون بیم فتنه باشد واجب است، چه عایشه - رضی الله عنها - ایشان را از جماعت ها منع کرد، وی را گفتند که پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - ایشان را از جماعت ها منع نکرده بود. گفت: آن چه پس از پیغامبر - علیه السلام - محدث آورده اند، اگر پیغامبر آن را بدانستی منع کردی. و اما گذشتن زنی در مسجد با تستر ممنوع نیست، مگر آن که اولی آن است که مسجد

۱ همان، صص ۹۷-۹۸.

۲ همان، ص ۱۱۸؛ زن چون بیرون آید شیطان سوی وی می نگرد. پوشاندگی زن در ده مرتبه است که یک مرتبه آن شوهر و قبر هر ده مرتبه آن است؛ «للرأة عشر عورات و إذا زوجت ستر الزوج عورة واحدة فإذا ماتت ستر القبر عشر عورات» همان، همانجا.

۳ همان، ج ۲، ص ۷۲۶.

را اصلاً گذر ساخته نشود»^۱ در موردی دیگر غزالی از دستور پیامبر مبنی بر بیرون آمدن زنان و به خصوص در نماز عید اشاره نموده، اما آن را منوط بر رضایت شوهر کرده است. در سیره پیامبر ذکر شد؛ ایشان دستوری مبنی بر اجازه گرفتن از همسر در این موارد برای زنان صادر نکرده و برخلاف آن، مردان را از منع زنان خود دستور داده‌اند؛ اما غزالی ضمن اذعان به اجازه پیامبر، مسئله را به گونه دلخواه چنین ترسیم می‌کند: «و پیغامبر زنان جوان و پردگی را بیرون آمدن فرمودی. در نماز عید^۲ و پیغامبر - علیه السلام - در عیدهای مخصوص ایشان را دستوری داده بود که بیرون آیند، و لیکن فرمود که جز به رضای شوی بیرون نیابند. و امروز نیز بیرون آمدن زنی عقیقه به رضای شوی مباح است، و لیکن در خانه نشستن به سلامت نزدیک‌تر بود. و باید که جز به مهمی بیرون نیاید که برای نظاره و کارهایی که مهم نباشد بیرون آمدن مروت را باطل کند، و بسیار باشد که به فساد انجامد»^۳ وی در خانه نشستن زن را به سلامت نزدیک‌تر دانسته و بیرون آمدنش را بجز در امور مهم جایز نمی‌داند و معلوم هم نمی‌کند این امور مهم چه چیزی است و در مجموع نیز خارج شدن زن از خانه را در اکثر موارد مفسده برانگیز می‌داند.

زنان و دام‌های شیطانی

غزالی در چند مورد و به مناسبت‌های مختلف، زنان را دام شیطان، تیر شیطان و یا لشکر شیطان معرفی می‌کند: «ابلیس را چون به زمین فرو فرستادند گفت: ای پروردگار، مرا از اوج آسمان به حوضیض زمین فرستادی، پس برای من خانه و مجلس و طعام و شراب و مؤذن و قرآن و کتاب و حدیث و دام‌ها تعیین فرمای. فرمان آمد که خانه تو گرمابه است، و مجلس تو بازارها، و مجامع تو راه‌ها، و طعام تو آن چه نام خدای بر آن یاد کرده نشود، و شراب تو هر چه مسکر است، و مؤذن تو مزامیر، و قرآن تو شعر، و کتاب تو نگار، و حدیث تو دروغ، و دام‌های تو زنان»^۴. از زبان پیامبر آنان را دام‌های دیوان - شیطان - معرفی کرده و دلیل سلطنت و تسلط آنان را بر مردان شهوت آنان بیان کرده است: «گفته است پیغامبر - علیه السلام: النساء حبائل الشیطان، زنان دام‌های دیوان‌اند. و اگر این شهوت نیستی، زنان را بر مردان سلطنتی نبود»^۵. و سعید بن مسیب گفت که

۱ همان، ص ۷۲۷.

۲ همان، ج ۱، ص ۴۳۴.

۳ همان، ج ۲، ص ۹۸.

۴ همان، ج ۳، ص ۷۲.

۵ همان، ص ۲۰۹.

حق تعالی هیچ پیغامبری بعث نفرمود که نه ابلیس امید آن داشت که وی را به زنان هلاک گرداند، و هیچ چیز نزدیک من مخوف تر از ایشان نیست، ... و یکی از ایشان گفت که شیطان زن را گوید که تو نیمه لشکر منی، و تو تیر منی که چون تو را بیندازم خطا نکنم، و تو موضع سر منی، و تو رسول منی در حاجات من. پس یک نیمه از لشکر او شهوت است، و نیمه دیگر خشم و بزرگ تر شهوتی شهوت زنان است. پس این شهوت را نیز افراطی است و تفریطی و تعدیلی.^۱ چنانچه آمده است، غزالی مکرر «زن هراسی» را با استفاده از استنادهای مختلف و ترفندهایی نظیر تیر، دام و لشکر شیطان بودن تبلیغ کرده و سعی می کند ترس عمیقی از جنس زن در دل مردان ایجاد کند. وی شر را جزو ذاتی زن دانسته و تمام این راهکارهای ارائه شده از جمله درشتی کردن با وی را به صلاح ایشان در زندگی دانسته است: «و بیايد دانست که در ایشان شری است و ضعیفی. سیاست و درشتی علاج شر است، و مطایبه علاج ضعف...»^۲ و از این رو که زن را ضعیف، شرور و شیطانی فرض کرده است وی را با نقلی از حدیث نبوی لایق ریاست نمی داند: «و پیغامبر (ص) گفت: لایفلاح قوم تملکهم امر،^۳ نیکویی نیابند قومی که فرمانده ایشان زنی باشد.»^۴

غزالی در ادامه همان دیدگاه خود بنا به نقلی از پیامبر، زنان را بدترین فتنه مردان معرفی کرده و چنین می نویسد: «ما ترک بعدی..... اضر علی الرجال من النساء، نگذاشته ام پس از خود فتنه ای مردان را زیانکارتر از زنان. و گفت - علیه السلام: اتقوا..... الدنیا..... النساء فان اول فتنه بنی اسرائیل کانت من النساء، بترسید از فتنه های دنیا و فتنه زنان، چه اول فتنه بنی اسرائیل از زنان بود.»^۴ در نهایت نیز با آوردن حدیث نبوی بیشتر اهل آتش را زنان می داند تا سزای چنین زیانکاری هایی که اعتقاد دارند همگی از زنان برآمده بینند: «حدیث نبوی پس بیشتر اهل آتش زنان دیدم، پس گفتم: کار ایشان چیست؟ گفتند: مشغول گردانید ایشان را دو سرخ: زر و زعفران.»^۵

تناقض های احیاء علوم الدین در باب زنان

در زوایای این اثر می توان اشاراتی محدود و اندک یافت که با سیره پیامبر همخوانی بیشتری دارد. غزالی حدیث معروف سه محبوب پیامبر را در دو قسمت به طور جداگانه ذکر می کند: «و

۱ همان، صص ۲۱۰ - ۲۰۹.

۲ همان، ج ۲، ص ۹۵.

۳ همان، ۹۵.

۴ همان، ج ۳، ص ۲۱۳.

۵ همان، ج ۴، ص ۳۳۶.

پیغامبر - علیه السلام - گفت: حَبِّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: الطَّيِّبُ وَالنِّسَاءُ وَقَرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، سه چیز از دنیای شما به نزدیک من دوست گردانیده شده است: بوی خوش و زنان و روشنائی چشم من در نماز است.^۱ در بار دوم آن را توضیح نیز می‌دهد: «پیغامبر - علیه السلام - گفت: حَبِّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: الطَّيِّبُ وَالنِّسَاءُ وَقَرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، از دنیای شما نزدیک من سه چیز دوست گردانیده شد: خوشبویی، و زنان، و روشنائی چشم من در نماز است پس خوشبویی را محبوب خواند، و معلوم است که سمع و بصر را در آن نصیب نیست بلکه شم راست بس. و زنان را محبوب خواند، و در ایشان جز بصر را و لمس را نصیب نیست، بیرون شم و ذوق و سمع. و نماز را روشنائی چشم خواند و آن را قوی‌تر محبوبات گردانید، و معلوم است که حواس خمس را از آن بهره نیست، بلکه حس ششم راست که مظنه آن دل است، و در نیابد آن را مگر کسی که دل دارد».^۲

در جایی دیگر می‌نویسد: «و پیغامبر گفت: کَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَضِيعَ مِنْ يَعْوَلٍ، مرد را این بزه بسنده است که عیال را ضایع گذارد».^۳ در حالی که پیشتر غزالی از قول پیامبر حق مرد را بر زن چنان عظیم به تصویر کشیده بود که از قول پیامبر می‌فرماید: «و پیغامبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - گفت: لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ، لَأَمَرْتُ الْمَرْءَ أَنْ يَسْجُدَ لِزَوْجِهَا مِنْ عَظْمِ حَقِّهِ عَلَيْهَا، اگر بنا بود کسی را بفرمایم که کسی را سجده کند، هر آینه زن را بفرمایم تا شوی خود را سجده کند از بزرگی حق او بر وی».^۴ در حالی که در چند مورد حق زن را بر مرد چنان عظیم و سنگین ترسیم کرده است که عرفایی نظیر ابراهیم ادهم و بشر دلیل انصراف خود از ازدواج را عدم استطاعت در به جای آوردن حق زنان آورده.^۵ غزالی از قول پیامبر بهترین مردان را نیکوترین با زنانشان معرفی می‌کند: «پیغامبر - علیه السلام - فرمود: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، بهترین شما آن است که با اهل خود بهتر باشد. و فرمود: دِينَارًا أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ دِينَارًا أَنْفَقْتَهُ فِي... و دِينَارًا تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ وَ دِينَارًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ، أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ، دیناری که در راه خدای تعالی نفقت کنی و دیناری که بر رقبه نفقت کنی و دیناری که به مسکینی صدقه کنی و دیناری که بر اهل خود نفقت کنی، بزرگ ثوابتر از این جمله آن باشد که بر اهل خود... کنی»^۶ و یا

۱ همان، ج ۲، ص ۶۳

۲ همان، ج ۴، ص ۵۱۲

۳ همان، ج ۲، ص ۶۹

۴ همان، ص ۱۱۸

۵ همان، ص ۶۹

۶ همان، ج ۲، صص ۹۸-۹۹

این که نادان ماندن خانواده مرد، بزرگترین گناه وی نزد خدا است: «پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - گفت: لا یلقى الله سبحانه احد بذنب اعظم من جهه • اهله، به حضرت الهی نرسد کسی با گناهی بزرگتر از آن که اهل وی نادان باشد»^۱.

غزالی زن شایسته و صالح را بهترین یاور بر دین مرد معرفی می کند: «چه پیغامبر گفته است: نعم العون علی الدین المرءة • الص • ای، نیکو یاری است بر دین زن شایسته»^۲. وی در بخش‌های انتهایی احیاء علوم الدین از زنان مجتهد بسیاری نام برده و مناجات‌ها و مجاهدت‌های آنان را شرح می‌دهد.^۳ سپس خطاب به مردان که ضعف نفس دارند و نمی‌توانند از دنیا و هوس‌های آنان دل برکنند و تزکیه نفس نمایند چنین توصیه می‌کند: «و اگر نفس تو گوید این نتوان کرد، احوال زنان مجتهد مطالعه کن، و او را بگویی: ای نفس، انفت نکنی که کم از زنی باشی، چه در غایت خساست باشد مردی که در کار دین و دنیا از زنی قاصر آید. و اکنون اندکی از احوال زنان مجتهد یاد کنیم»^۴.

نتیجه‌گیری

چنانچه در سیره پیامبر ملاحظه می‌شود، سیاست پیامبر درباره زنان، درگیر کردن آنان در امور اجتماعی جهت تقویت حس مسئولیت‌پذیری، مشارکت جمعی، رشد فکری و وسعت بخشیدن افق دید آنان بود. حق بیعت، آموزش و طلب علم، حضور در مجامع و مساجد، جنگ، مشورت، امان و اموری دیگر از این نوع مورد تأکید و تشویق پیامبر برای زنان و افزایش سهم آنان در تحولات و مسائل جامعه بوده است. این موارد، نشان از آموزش صحیح پیامبر دارد که با به تصویر کشیدن افق‌های متعالی‌تری از زندگی، برخی از زنان این دوره توانستند خود را از ظواهر مادی به ظهور معنوی برسانند. در حالی که غزالی نسبت به زنان، رویکردی گناه‌آلود، سراپا تقصیر، خطاکار و فتنه‌گر دارد، و آنان را با اوصافی نظیر تیر، دام و لشکر شیطان معرفی کرده که برای ایمن ماندن از شرشان، باید تا می‌توان آنان را در پشت پرده‌ها و درون خانه‌ها نگاه داشت، و از حضور اجتماعی‌شان جلوگیری کرد. از این رو، بزرگترین ثواب برای زنها، ماندن در خانه، و بیرون نیامدن است، این امر، به معنای محبوس شدن نیمی از جامعه فعال در حبس ناخودآگاه خانگی است.

۱ همان، ص ۷۰.

۲ همان، ج ۴، ص ۱۸۲.

۳ همان، ص ۷۲۸.

۴ همان، صص ۷۲۸ - ۷۳۲.

چنین زنانی محروم از مشارکت اجتماعی هستند و به حکم خانه نشینی، دایره ذهن و فکر آنان، فراتر از ملاحظات شخصی و آرزوهای زودگذر سطحی نخواهد رفت. مصادیق رفتاری این گونه زنان نیز بالذات تداعی گر همین ذهنیت خواهد بود که اساساً، جنس زن، منحرف و گمراه کننده می باشد و این ذهنیت زن هراسی حاکم بر جامعه، الگوی رفتاری ناپهنجاری را بر جای خواهد گذاشت که اثر نامطلوب مضاعفی بر رفتار جامعه مردان با زنان باقی خواهد گذارد. این دور تسلسل، به بازتولید مکرر این نگرش و همچنین آثار برآمده از آن منجر خواهد شد. ریشه های نگرش غزالی نیز از یک سو، معطوف بر فضای مردسالارانه جامعه و از سوی دیگر مقوم آن می باشد. دیدگاه غزالی متأثر از فضایی است که به حکم ضرورتها، اهداف و سلاقی سیاسی - اجتماعی حکومت های پس از پیامبر، به جای روش و منش وی در جامعه مردسالارانه نظریه پردازی و مرسوم شده است که تحلیل این دگردیسی و تبدیل و بررسی دلایل آن، خود پژوهش مستقلی را می طلبد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد (۱۴۰۴ق)، شرح نهج... لابن ابی الحدید، قم... الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۴ق)، الکامل فی التاریخ، تحقیق: مکتب التراث، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴.
- ابن اثیر، عزالدین [بی تا]، اسدالغابه، ج ۵، تهران: اسماعیلیان.
- ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵)، الاصابه، تحقیق شیخ عادل احمد الموجد، ج ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد [بی تا]، المسند، بیروت: دارصادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۲۶)، صفوه الصفوه، تحقیق عبدالرحمن لادقی، حیاة شیخا لادقی، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن سعد، محمد (۱۳۸۸ق)، الطبقات الکبری، ج ۸، بیروت: دارصادر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۳۸۱ق)، الاستیعاب، ج ۴، بیروت: دارالفکر.
- ابن هشام (۱۳۷۵)، سیرت رسول الله؛ انشای رفیع الدین اسحاق، ج ۱، ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز، ج ۲.
- [بی تا]، سیرت رسول الله، انشای رفیع الدین اسحاق، ج ۲، تحقیق اصغر مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- امین، سید محسن [بی تا]، اعیان الشیعه، ج ۳، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۹ق)، الادب المفرد، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: موسسه الکتب الثقافیه.
- الجعافره، اسامه (۲۰۰۵م)، موسوعه الصحابیات، داراسلام للنشر والتوزیع.

- جمعه، احمد خلیل (۱۴۱۱ق)، نساء مبشرات بالجنه، ج ۲، بیروت: دار ابن کثیر.
- الحسینی الموسوی المکی، سید عباس بن علی (۱۴۱۷ق)، *توسو الجلیس*، الأديب الأنیس، قم: *مکتبۃ الحیدریه*.
- حلبی، محمود طعمه (۱۴۲۷ق)، *المیة الاوائل من صحابیات الرسول*، بیروت: دارالمعرفه.
- (۱۴۱۹ق)، نساء حول الرسول، حلب: دارالهیة.
- ذهبی، شمس الدین (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق علی محمد بجاوی، ج ۳، ۴، بیروت: دارالمعرفه.
- (۱۳۶۶)، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- کراولسکی، دوروتی (۱۳۸۲)، «شیطان و زن غزالی و خوانشی زرتشتی گرا از قرآن»، ترجمه علی زاهدپور، *حوزة اصفهان*، ش ۱۲، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴ق)، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ج ۲۲، قاهره: *مکتبۃ*.
- طیبی، ناهید (۱۳۸۸)، *زن در چشم پیامبر*، قم: بهشت بینش.
- العامری، یحیی ابن ابی بکر [بی تا] *المحافل* و *الاقائل فی تخلص المعجزات و السیر و الشائل*، ج ۱، بیروت: دارصادر.
- العک، خالد عبدالرحمن (۱۴۰۹ق)، *صووه من حیة صحابیات الرسول (ص)*، بیروت: دارالالباب.
- غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۵۱)، *احیاء علوم الدین*، ترجمه مویدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مامقانی، عبدالله [بی تا]، *تقیح المقال*، ج ۳، [بی جا]: [بی نا].
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی [بی تا]، *امتاع الاسماع*، تحقیق محمود محمد شاکر، مصر: *مکتبۃ التالیف و الترجمه و النشر*.
- مهریزی، مهدی (مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، «*کتاب شناسی توصیفی کتاب تراجم زنان*»، *مجله آینه پژوهش*، ش ۵۱، صص ۸۴-۹۱.
- واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، ج ۳، بیروت: *مکتبۃ الاعلمی للمطبوعات*، ج ۳.

